

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۰)، صفحات: ۹۶-۶۱

مقاله علمی پژوهشی

پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری مسکونی معاصر، مبتنی بر مبانی حکمت طبیعیات (مصادق: خانه‌های تاریخی شهر کاشان)

محمد رضا حاتمیان*

فهیمه گلباغ مهبیاری**

چکیده

انتخاب رنگ به‌عنوان یک عنصر کالبدی مهم در فضای اجرایی معماری مسکونی امروز ایران از مدل‌های پژوهش‌شده علمی پیروی نمی‌کند. در این راستا سلاقی دست‌اندرکاران ساختمان‌سازی مانند کارفرمایان، سرمایه‌گذاران، سازندگان، سوداگران، معماران و عرف و هنجارهای جامعه بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. موضوع رنگ در معماری از منظرهای مختلف قابل پژوهش است که در این نوشتار از منظر توجه به مبانی نظری حکمت طبیعیات مورد توجه قرار گرفته است. حکمت طبیعیات یکی از سه شاخه اصلی حکمت است که به امور طبیعی یا پدیده‌هایی که شامل ماده و زمان می‌شوند می‌پردازد. مبانی و احکام حکمت طبیعیات در طب سنتی ایران، به‌ویژه در آثار به‌جامانده از ابن‌سینا، به موضوعاتی مانند ویژگی‌های محیط و کالبد آن می‌پردازد و از این منظر می‌تواند به‌عنوان مبانی نظری کاربردی در ویژگی‌های عناصر کالبدی محیط مانند رنگ مورد استفاده و استناد قرار گیرد. ارتباط معماری و حکمت طبیعیات در حدود یک دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران معماری و شهرسازی قرار گرفته است. هدف این نوشتار پیشنهاد مدلی کاربردی برای انتخاب رنگ در فضاهای خانه امروز ایران است؛ چراکه از منظر طب سنتی در حکمت طبیعیات تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. پرسش اصلی این است که براساس مبانی نظری حکمت طبیعیات رنگ فضاهای مسکونی مبتنی بر چه شاخصه‌هایی انتخاب می‌شده است؟ روش پژوهش کیفی و در حوزه مبانی، مبتنی بر تحلیل محتوای متون مرتبط با حکمت طبیعیات در طب سنتی و استخراج شاخصه‌های انتخاب رنگ در فضاهای معماری مسکونی به‌صورت عام و در فضای خواب به‌صورت خاص پرداخته و جهت رسایی مبانی نظری، این شاخصه‌ها را در تعدادی از خانه‌های تاریخی شهر کاشان به‌عنوان مصداق جست‌وجو می‌نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که رنگ به‌عنوان یک عنصر مهم کالبدی دارای مزاج بوده و می‌تواند با ایجاد تعادل نسبی بین مزاج مکان طبیعی یا طبیعت و مزاج فعلیتی که در عملکردهای فضایی مانند فضای خوابیدن رخ می‌دهد، موجب تعادل مزاج مکان مصنوع یا معماری شود و با این شاخصه می‌توان رنگ فضاهای خانه را انتخاب نمود. یافته‌های نظری پژوهش در چند مصداق از خانه‌های تاریخی شهر کاشان نیز مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: حکمت طبیعیات، فضای خواب، مزاج رنگ.

* استادیار گروه معماری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول / hatamian@kashanu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه معماری، مؤسسه آموزش عالی علامه فیض کاشانی، کاشان، ایران / fahimgolbagh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳



۱. بیان مسئله

نظریه‌های کاربردی در حدفاصل نظریه‌های مبنایی و کاربست عملی آن‌ها قرار می‌گیرند. درزمینه معماری و شهرسازی ایران در دو حوزه مبنایی و کاربستی چه در قالب تحلیل نظری و چه به صورت مهندسی معکوس و مصداق‌پژوهی، پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. نوشتار پیش رو تلاشی در جهت پرداختن به یک پژوهش در حوزه نظریه‌های کاربردی است. در این نوشتار، رگه‌هایی از حکمت ایران در بُعد نظری و یکی از شاخه‌های مهم آن یعنی حکمت طبیعیات در طب سنتی به عنوان مبنای کاربردی مد نظر قرار گرفته است.

اساس حکمت طبیعیات در طب سنتی مبتنی بر امور طبیعی دانسته شده (ناصری و همکاران، ۱۳۸۹) که از آن‌ها با عنوان مقوله‌های اصلی در مبنای نظری طب سنتی ایران نام برده می‌شود (شمس اردکانی ۱۳۸۹؛ ناصری ۱۳۸۸: ۲۳؛ عقیلی علوی شیرازی ۱۳۸۵: ۳۴)؛ این مقوله‌ها عبارت‌اند از: عناصر، طبایع، امزجه، اخلاط، اعضا، ارواح، قوا و افعال (همان). از میان این مقوله‌ها مزاج به عنوان موضوع کلیدی در تحلیل امور طبیعی معرفی شده و مطالعه ویژگی‌های مزاجی منجر به استحصال شاخصه‌هایی می‌شود که می‌تواند مبنای نظری- کاربردی انسجام با قواعد و قوانین حاکم بر نظام عالم کون و فساد را برای موجودات محسوس فراهم آورد، و از آن با عنوان نظریه مزاج در طب سنتی نام برده می‌شود. کاربست این شاخصه‌ها در مصنوعات انسان‌ساز به دلیل ایجاد انسجام با نظام عالم موجب خروجی حکیمانه مانند معماری حکیمانه خواهد شد.

مبنای نظریه مزاج در کتاب‌های فلسفه و طب ایران مانند فصل اول کتاب قانون در طب ابن سینا دیده می‌شود؛ زیرا در قالب شاخصه‌های نظری- کاربردی در این طب به اجرا درآمده است. مبتنی بر این مبادی، تمام وجوه نفسانی (روحی) و بدنی (کالبدی) یک موجود، به صورت کل‌نگر و منسجم بین او و جهان پیرامونش تعریف می‌شود که سلامت، بیماری و درمان یا حیات طبیعی وی براساس آن معنی پیدا می‌کند. از این منظر، هماهنگی و انسجام با این مبنای نظری- کاربردی موجب سلامت و خروج از آن موجب بیماری می‌شود که آن را تعادل نسبی هر موجود می‌دانند (ابن سینا ۱۳۸۶: ۳۰۳-۳۱۵). بنابراین، درمان برگرداندن موجود محسوس به هماهنگی و انسجام لازم با این نظام یا بازگشت وی به تعادل نسبی خلقی و خلقی وی است (شریعت‌پناهی ۱۳۹۲). همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد، مکان نیز دارای چنین شاخصه‌های مزاجی است و از این منظر، مورد توجه تعدادی از پژوهشگران معماری ایران قرار گرفته که در ادامه آورده شده است. لذا مکان طبیعی (یا بستر طبیعت) و مصنوع (معماری، شهرسازی و سازه‌ها و تأسیسات آن‌ها) دارای



پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری... محمدرضا حاتمیان، فهیمه گل‌باغ مهبیاری

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

نفس (روح) و بدن (کالبد) بوده که در هماهنگی و انسجام یا به عبارتی تعادل نسبی نسبت به خود، یکدیگر و جهان اطرافشان قرار دارند. کون و فساد یا حیات طبیعی این مکان‌ها مشروط به رعایت تعادل نسبی در آنهاست.

حوزه مورد نظر این نوشتار کالبد (بدن) ساختمان‌های مسکونی یا خانه است از آن‌رو که بخش اعظم کاربری اراضی در شهری تا فراتر از ۵۰ درصد در شهرها به کاربری مسکونی اختصاص یافته و از طرفی در عقبه فرهنگ ایران، خانه چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های متنوع معنوی و مذهبی در تمامی ابعاد آن مانند ساخت، استقرار و استفاده مشاهده می‌شود (براتی ۱۳۸۲: ۲۵).

کالبد خانه از عناصری تشکیل شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رنگ استفاده‌شده در آن است. انتخاب رنگ در کنار سایر عناصر تشکیل‌دهنده فضای خانه محصول فرایندی نظری- کاربردی است که ویژگی‌های خلقی و خُلقی آن فضا را مشخص می‌سازد. از آنجاکه این مهم در خانه‌های امروز ایران از مدل‌های پژوهش‌شده علمی پیروی نمی‌کند، این نوشتار با رویکرد تجزیه‌ای- تحلیلی تنها به عنصر رنگ و اثر آن در این فرایند تمرکز نموده است. پژوهشی که مستقیماً با موضوع این نوشتار انجام شده باشد مشاهده نشد؛ اما در حدود ده سال اخیر نظر تعدادی از پژوهشگران معماری ایران به موضوع رنگ در معماری معطوف شده است که در مرور پیشینه موضوع به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

هدف این نوشتار پیشنهاد مدلی پژوهش‌شده و کاربردی از کاربری از کاربست مبادی حکمت طبیعیات در عناصر کالبدی فضای خانه معاصر است که برخاسته از حکمت ایران باشد.

پرسش اصلی این است که براساس مبانی نظری حکمت طبیعیات رنگ فضاهای مسکونی مبتنی بر چه شاخصه‌هایی انتخاب می‌شده است؟ در امتداد این پرسش اصلی پرسش‌های فرعی مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: مزاج رنگ چیست و مزاج مکان چیست؟ و چطور با یکدیگر در تعامل مزاجی هستند؟

ابتدا با مرور پژوهش‌های مرتبط خارجی و داخلی به فهم مختصات موضوع نوشتار اشاره خواهد شد. سپس در بدنه نظری، به مقوله مزاج در حکمت طبیعیات پرداخته می‌شود. در ادامه چیستی مزاج، مزاج مکان و تعادل نسبی حاکم بر آن و مزاج رنگ تبیین شده و در انتهای ادبیات نظری چگونگی تأثیر مزاج رنگ در ایجاد تعادل نسبی فضایی از خانه، یعنی فضای خوابیدن مورد تحلیل نظری قرار می‌گیرد. جست‌وجوی یافته‌های نظری نوشتار در چند مصداق از خانه‌های تاریخی شهر کاشان نیز مورد مشاهده قرار خواهد گرفت.



۱-۱. پیشینه پژوهش

کمی بیش از یک دهه اخیر و توسط تعدادی از پژوهشگران معماری ایران، پژوهش‌هایی از فرایندهای نظری- کاربردی در معماری شروع شده است. این پژوهش‌ها کاوش در این فرایندها را با پارادایم حکمت طبیعیات و برخاسته از آن جست‌وجو می‌کنند. اهم آن‌ها در چند حیطه، قابل شناسایی و دسته‌بندی هستند:

حیطه اول طرح موضوع ارتباط بین، ویژگی‌های مشاهده‌شده در معماری و شهرسازی ایران و حکمت طبیعیات است. در این حیطه پژوهشگرانی مانند نقره‌کار و همکاران (۱۳۸۹)، حمزه‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴؛ ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۹)، عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۴؛ ۱۳۹۵) پژوهش‌هایی را منتشر نموده‌اند. در این پژوهش‌ها مطرح شدن اصل موضوع کاربست علمی- کاربردی مقوله مزاج در فضاهای معماری و شهرسازی ایران مورد تأکید بوده و به‌عنوان ملاک اصلی تطابق انسان و محیط مورد توجه قرار گرفته است.

حیطه دوم پژوهش‌هایی که معماری سلامت‌محور را با پارادایم حکمت طبیعیات مورد کاوش قرار داده و کاربست آن را در طراحی فضاهای معماری مانند بیمارستان‌ها، طراحی مؤلفه‌های بومی محیط، مکان‌یابی شهرها و ساختمان‌ها، نقش عناصر اربعه در سلامت فضاهای معماری را مورد تحلیل قرار داده‌اند. در این حیطه پژوهشگرانی مانند رحیمی‌مهر و همکاران (۱۳۹۶)، حمزه‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶؛ ۱۳۹۹)، تقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، گلباغ و همکاران (۱۳۹۸)، امیرآبادی فراهانی و همکاران (۱۴۰۰) در این حیطه پژوهش‌هایی را منتشر کرده‌اند. در این پژوهش‌ها کاربست علمی- کاربردی حکمت طبیعیات و محور اصلی آن یعنی مقوله مزاج در معماری و شهرسازی ایران مورد کاوش قرار گرفته و به‌عنوان یک فرایند نظری- کاربردی با هویت سلامت‌محوری تحلیل شده است.

حیطه سوم مصداق‌پژوهی است که به کاوش در ارتباط بین تعادل مزاجی مکان و موضوعات تعریف‌شده در نمونه‌هایی از معماری ایران می‌پردازند. اغلب این پژوهش‌ها در مصداق‌هایی از معماری حمام‌های ایرانی انجام شده و در یک مورد به تحلیل فضاهای اقلیمی در معماری خانه‌های ایران پرداخته شده است. پژوهشگرانی مانند رضوی برقی و همکاران (۱۳۸۸)، دانایی‌نیا و همکاران (۱۳۹۵)، طاهری (۱۳۹۵)، رحیمی‌مهر و همکاران (۱۳۹۶) در مورد تعادل مزاجی در فضای معماری حمام‌ها اشاره داشته و حاتمیان و همکاران (۱۳۹۶) به تعادل مزاج مکان خانه‌های ایران، از طریق ویژگی‌های فضاهای اقلیمی آن‌ها پرداخته‌اند. محور اصلی این



پژوهش‌ها طرح موضوع ایجاد تعادل مزاجی در فضاهای معماری بین مزاج مکان طبیعی و مزاج مکان مصنوع آن‌هاست که منجر به کیفیات فضایی نظیر سلامت‌محوری، هویت‌محوری، کارکرد اقلیمی، انسان‌محوری و مانند این‌ها شده است.

حیطه چهارم پژوهش‌هایی که به مزاج عناصر کالبدی و تأثیر آن در شاخصه‌هایی از معماری مسکونی پرداخته‌اند که پژوهش رحیمی‌مهر (۱۳۹۹) از این دسته است.

نوشتار پیش رو از منظر زمینه پژوهش‌های انجام‌شده در دسته آخر قرار می‌گیرد با این تفاوت که در پژوهش رحیمی‌مهر (۱۳۹۹) به نحوه انتخاب رنگ فضاهای خانه توسط مزاج‌های مختلف پرداخته شده است؛ درحالی‌که در پژوهش پیش رو تلاش می‌شود نقش رنگ به‌عنوان یک عنصر کالبدی در ایجاد تعادل مزاجی مکان طبیعی و مکان مصنوع یا فضاهای خانه کاوش شود؛ زیرا دخالت مزاج کاربران در چنین پژوهشی تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که معماری مسکونی با تعریف شاخصه‌های کالبدی برای کاربران مشخص مورد مطالعه قرار گیرد. این درحالی است که عملاً در اکثر به‌اتفاق ساختمان‌های مسکونی عرف امروز ایران ابتدا خانه ساخته می‌شود و سپس کاربران آن مشخص می‌گردند.

اهمیت نقش رنگ در ادراک کالبد فضاهای معماری مورد توجه علوم مختلف است؛ از آنجاکه این ادراک توسط انسان انجام شده و یک واقعیت روان‌شناختی فیزیولوژیکی است (ایتن، ۱۳۷۸). ترکیب رنگ‌ها در معماری امروز دارای دو کاربرد زیبایی‌شناسانه و عملکردی است (اسحاق‌آبادی و همکاران ۱۳۹۶). استفاده از رنگ در حال حاضر با رویکردی در اغلب موارد زیبایی‌شناسانه مطرح می‌شود؛ درحالی‌که رنگ از منظر طبابت و در حوزه علوم انسانی مورد پژوهش بوده و می‌باشد. از منظر طبابت هم در طب جدید و هم طب سنتی تأثیر رنگ بر هیجانات و اعراض نفسانی به‌صورت عکس‌العمل‌های روانی و بدنی مورد تأکید بوده و رنگ درمانی دارای قدمتی تاریخی در تمدن‌های زرتشتی ایران، چین، هند، یونان و اسلام است (همان). در طب جدید، پاسخ‌های فیزیکی ناپایدار به تأثیر رنگ‌ها مانند تغییر در فشار خون، ضربان قلب، عرق کردن بدن، تغییر تنفس، متأثر ساختن احساسات و مانند این‌ها به‌صورت معنادار مشاهده شده است (رحیمی‌مهر، ۱۳۹۹). از منظر ابن‌سینا رنگ نشانه مهمی در تشخیص، درمان و حالات درونی است و در مواردی از طبابت مانند علامت و عارضه، حالات درونی، ویژگی خاص یک عضو بدن، درمان بیماری، ویژگی‌های دارو، عامل اختلال در تشخیص بیماری، غلبه اخلاط چهارگانه در بدن و نام بعضی از بیماری‌ها مانند سیاه‌زخم به کار گرفته

می‌شود (صهبا، ۱۳۸۳). در طب سنتی، رنگ دارای مزاج دانسته شده است و مزاج رنگی که در محیط زندگی وجود دارد، روی مزاج کاربر آن محیط تأثیر گذاشته و غلبه مزاجی ایجاد می‌نماید که خود باعث خروج یا حفظ تعادل مزاجی فرد می‌شود. برای مثال قرار گرفتن افراد در مقابل رنگ قرمز به تدریج باعث غلبه دم در آن‌ها می‌شود (رحیمی مهر، ۱۳۹۶) که اگر دارای مزاج گرم و تر (دموی) باشند، غلبه دم را در وی تشدید می‌نماید. یا قرار گرفتن افراد در محیط‌هایی با رنگ سیاه باعث غلبه سودا در آن‌ها شده که خود موجب غلبه سردی در مغز و ناآرامی در فرد می‌شود (همان).

پژوهشگران در نحوه انتخاب، حجم و نحوه به‌کارگیری رنگ در فضاهای معماری هفت عامل را دخیل دانسته که عبارت‌اند از: سن کاربران، محل زندگی، فصول سال، فرهنگ جامعه، زمینه هوشی عاطفی کاربران، ویژگی جامعه و طبقات اجتماعی (ساطعی ۱۳۷۲) که در پژوهش رحیمی مهر تأثیر متقابل مزاج رنگ در دیوارها و مزاج ساکنان به‌عنوان عامل هشتم مطرح شده است (همو، ۱۳۹۹).

اما رنگ و تأثیر آن از مزاج مکان و اقالیم مختلف در پژوهشی از نقره‌کار و دیگران در سال ۱۳۸۹ مورد کاوش قرار گرفته است. بنابراین پژوهش بین ویژگی‌های مزاج مکان و انتخاب رنگ فضاهای معماری توسط ساکنان آن اقلیم ارتباط مؤثر دیده شده است. براساس این نوشتار، ساکنان مکان‌های گرم و خشک و سرد و خشک که به‌دلیل غلبه خشکی، دارای سکون و کمی هیجانات هستند، در فضاهای معماری خود از رنگ‌های آرام، مات و کم هیجان استفاده می‌کنند. بالعکس در مزاج مکان‌های معتدل و مرطوب و گرم و مرطوب به‌دلیل وجود رطوبت، گرایش ساکنان به استفاده از رنگ‌های هیجانی، تند و متنوع دیده می‌شود. اما در پژوهشی که در سال ۱۳۹۹ و توسط رحیمی مهر انجام شده، با تحقیق میدانی، ارتباط بین مزاج افراد با رنگ دیوارها مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که رابطه معناداری بین مزاج افراد و مزاج عناصر کالبدی مثل رنگ وجود دارد (همان)؛ به شکلی که بین گرمی و سردی، تری و خشکی رنگ فضاهای نشیمن و اتاق خواب و آزموده‌شده‌ها (کاربران) ارتباط معنادار دیده می‌شود. برای مثال آزموده‌شده‌ها با مزاج گرم در واحدهایی زندگی می‌کرده‌اند که رنگ فضاهای اتاق خواب و نشیمن‌های آن‌ها گرم‌مزاج بوده است (همان).

در مجموع می‌توان مشاهده نمود طب سنتی تأکید فراوانی دارد که قرارگیری افراد در مقابل رنگ‌ها چه در حالت تصاویر و مناظر و چه به‌کاررفته در محیط زندگی و چه در بستر طبیعی



زیست آن‌ها روی غلبه مزاجی فرد کاملاً تأثیرگذار است. این تأثیر و تأثرها مبتنی بر مبادی و احکام حکمت طبیعیات دارای تحلیل نظری- کاربردی است.

اما سوی دیگر این پژوهش فضاهای ساختمان‌های مسکونی یا فضای خانه است. اهمیت فضای زندگی یا به عبارت مصطلح‌تر فضای خانه، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و نهادینه‌ترین انواع معماری مورد غفلت قرار گرفته چراکه بی‌توجهی به نیازهای کیفی روانی کاربران و توجه تنها به وجه اقتصادی خانه موجب غفلت از نقش فضای خانه در هویت‌بخشی به انسان امروز ایران شده است (عینی‌فر، سرمد و شاهچراغی، ۱۳۹۸). مفهوم فضای معماری به‌صورت کلی و در ذیل آن یعنی فضای خانه در دوران معاصر و پس از گذر از خانه سنتی به خانه معاصر، دچار برداشت‌ها و تحولاتی چند شده است؛ ولی هنوز فضای زندگی به‌عنوان یک مفهوم محوری در کنار فضای کالبدی و فضای تخیلی در دوران معاصر باقی مانده است (ناری قمی و دامیار ۱۳۹۱). در خانه سنتی توجه هم‌زمان به کالبد و شیوه زندگی توأمان انجام می‌شده که در معماری امروز خانه‌ها، این موضوع به‌کلی فراموش شده است. به عبارتی کالبد و فعالیت‌های برخاسته از شیوه زندگی ایرانی در تعامل تنگاتنگی با یکدیگر بوده‌اند. ارژمند و عبدالله‌زاده (۱۳۹۱) در نوشتاری این موضوع را در خانه‌های قاجاری شهر شیراز از منظر آداب زندگی و فعالیت‌های شیوه زندگی ایرانی مورد تحلیل قرار داده‌اند. بر این اساس چگونگی استفاده از فضاها در معماری خانه سنتی مبتنی بر سبک و روش زندگی کاربران دانسته شده است. این روش زندگی ابعادی از فضای خانه سنتی را متبلور ساخته که هویت معماری یک خانه سنتی را در گرو تعامل با آن‌ها تعریف می‌نماید که رؤسشان عبارت است از: طبیعت، خلوت، تنوع و انعطاف‌پذیری، زندگی جمعی، ارتباط با ساکنان، جمال و زیبایی، حس دل‌بستگی. در ذیل، دو بُعد طبیعت و جمال از خانه سنتی به نقش و اهمیت هم‌آغوشی نور و رنگ‌های به‌کارگرفته‌شده در فضاهای خانه سنتی تأکید شده است (همان). آداب زندگی، فعالیت‌های فضاها را مشخص می‌ساخته که این فعالیت‌ها در پنج دسته فعالیت‌های خانواده، ارتباط با دیگران، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت و ارتباط با خدا قابل دسته‌بندی دانسته شده‌اند. از آنجاکه این نوشتار قصد پرداختن به موضوع روش و سبک زندگی را ندارد، تنها فعالیت‌های خانواده را که در عرف زندگی امروز نیز به چشم می‌خورند، مورد نظر قرار داده است. در جدول زیر فعالیت‌های فضای زندگی در خانه سنتی از منظر این پژوهش آورده شده است.

جدول ۱: فعالیت‌های محوری خانه در سبک زندگی خانواده ایرانی (ارژمند و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱)

آداب زندگی	فعالیت‌ها	نحوه بروز فعالیت‌ها در کالبد خانه‌های سنتی	ویژگی‌های خانه سنتی شیراز
آداب خانوادگی	خوردن	دور هم جمع شدن اعضای خانه به دور سفره در فضاهای مختلف در فضاهای باز و بسته مانند ایوان، حیاط، تخت، اتاق و...	امکان ایجاد تنوع فضایی برای این فعالیت
	خوابیدن	خوابیدن همه افراد خانه روی زمین و کنار یکدیگر در فضاهای باز و بسته مانند اتاق، ایوان، بام، تخت در حیاط و...	امکان ایجاد تنوع فضایی برای این فعالیت
	نشستن، دور هم جمع شدن	نشستن دور هم بر روی زمین و انجام فعالیت‌های جمعی خانواده مانند فعالیت‌های روزمره و دائمی، خوردن، مراسم و مناسک و... در ساعات و فصول مختلف در فضاهای باز و بسته مانند ایوان، حیاط، اتاق، تالارها، حوض‌خانه، سرداب و ...	فعالیت‌های روزمره و دائمی در فضاهای متنوع
	غذا پختن، شستن و نظافت	فعالیتی جداشده برای ایجاد فضایی امن (به دور از دید و مزاحمت) برای کار زن خانه، دارای ایراداتی مانند کمی نور، کمی تهویه	تعریف فضایی متمایز نشده

این فعالیت‌ها از آنجاکه جزء جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره خانواده‌های ایرانی شده و از گذشته تا به امروز نیز ادامه یافته‌اند، دارای اهمیت بوده و می‌توانند به‌عنوان مفروض بررسی فعالیت‌های زندگی در فضای خانه مورد مطالعه قرار گیرند؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ویژگی‌های فضای زندگی را مشخص می‌سازند. این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: فعالیت‌های طبخ غذا، استراحت و خواب، تجمع خانوار و صرف غذا.

۲-۱. روش انجام پژوهش

تحقیق پیش رو یک پژوهش کیفی است که در دو مرحله با دو روش انجام شده است: مرحله اول تبیین و فهم نظریه مزاج در طب سنتی ایران و مبتنی بر ارکان و مبادی آن برخاسته از حکمت طبیعیات است. این بخش به فهم مقوله‌های مزاج، مزاج مکان و تعادل نسبی، مزاج رنگ و ارتباط آن با فضاهای زیست انسان می‌پردازد. در این مرحله، از روش تحلیل محتوای ارکان و مبادی طب سنتی برگرفته از آراء و متون به‌جامانده از ابن‌سینا استفاده شده است. در حکمت طب ایران، دانشمندان متعددی به این نظریه پرداخته‌اند؛ اما حکمت سینوی از این رو دارای اهمیت است که در سه حیطه حکمت طبیعیات، یعنی مبانی و احکام نظریه مزاج در طب سنتی، کاربرد نظری حکمت طبیعیات در طب نظری و به‌کارگیری آن در طب عملی دارای آثار و تجارب معتبر

علمی و شناخته‌شده در ایران و جهان است. در این مرحله، سعی شده تا تعامل مزاجی بین مکان طبیعی، مکان مصنوع و مزاج رنگ مورد تحلیل قرار گرفته تا نحوه تعامل آن‌ها مبتنی بر این نظام نظری مشخص گردد.

ابتدا براساس ویژگی‌های مزاج‌ها که برخاسته از متون مرتبط است، یک تحلیل نظری-استنتاجی بر روی فعل خوایدن مبتنی بر جدول ۴ انجام شد تا مزاج این فعالیت مشخص گردد. سپس تعامل مزاجی بین مزاج این فعالیت، مزاج مکان طبیعی و مزاج رنگ صورت گرفت.



تصویر ۱: مختصات تعاملی عنصر کالبدی مانند رنگ در ایجاد اعتدال مزاجی بین مزاج فعالیت و مزاج مکان طبیعی

در این تحلیل نظری که یکی از متغیرهای آن مزاج مکان طبیعی است، مزاج معتدل در نظر گرفته شد تا تطابق نظری دوگانه مزاج فعالیت و مزاج رنگ با سهولت بیشتری انجام شود. در مبانی نظری و در ادامه اشاره خواهد شد که نتایج این تحلیل چگونه می‌تواند در مزاج مکان‌ها یا اقالیم دیگر مورد استفاده قرار گیرد یا به عبارتی دوباره ویژگی‌های مزاج مکان طبیعی حضور پیدا نماید. یافته‌های این بخش به چگونگی تعامل مزاج رنگ در ایجاد تعادل نسبی بین مزاج فعالیت‌ها و مزاج مکان اشاره خواهد داشت. شایان ذکر است که چون فرایند طبیعی خَلق و خُلُق فضای زندگی که در معماری ایرانی در پیشینه موضوع اشاره شد، تابع مستقیمی از فعالیت‌های آن فضا است، با مطالعه و ایجاد تعادل فعالیت‌ها می‌توان فضای متعادل زندگی تولید نمود و این مهم از طریق تعریف ویژگی‌های عناصر تشکیل‌دهنده فضا امکان‌پذیر بوده که یکی از آن‌ها رنگ فضا است.

مرحله دوم روایی یافته‌های نظری در یکی از فعالیت‌های خانه ایرانی یا فضای خواب مورد کاوش قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری پژوهش

شاخصه‌های انتخاب رنگ فضای خواب مبتنی بر مبانی نظری حکمت طبیعیات:

جهان بر پایه نظم و اعتدالی بنا نهاده شده است که حکمای ایران، مبنای ویژگی‌های خَلقی و خَلقی آن را مبتنی بر امتزاج چهار رکن آب، آتش، خاک و هوا می‌دانند؛ به عبارتی از ترکیب مسالمت‌آمیز عناصر چهارگانه، تمامی موجودات، فضا، مکان و فعالیت‌ها شکل گرفته و دارای تعادلی نسبی هستند (ابن‌سینا، ۱۳۸۶: ۲۱۹-۳۰۷). از منظر این حکمت، حیات طبیعی در عالم، منوط به رعایت این تعادل است. این تعادل مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی است که کیفیت یا طبع این عناصر در امتزاج با یکدیگر ایجاد می‌کنند. ویژگی‌های ذاتی ارکان با عنوان «قوا یا کیفیات اولیه» عناصر معرفی شده است که عبارت‌اند از: «گرمی»، «سردی»، «تری» و «خشکی». این کیفیات در دو معنا به کار گرفته می‌شوند: یک آنکه قوه بر «انجام یک فعل» اثر دارد و دیگری قوه در «مقابل انجام یک فعل» تأثیرگذار است. این تعریف از قوه مورد استفاده در «فعل و انفعال» قرار گرفته است؛ یعنی در منفعل باعث ایجاد انفعال و در فاعل باعث ایجاد فعل می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۵۲۴). پس این کیفیات و اثرات آن‌ها را می‌توان در دو قسم شناسایی و بیان نمود که عبارت‌اند از: اثرات فاعلی و اثرات انفعالی. اثر فاعلی، به تأثیرگذاری اشاره دارد و اثر انفعالی به تأثیرپذیری. کیفیت گرمی منجر به تأثیرگذاری بیشتر و کیفیت سردی منجر به تأثیرگذاری کمتر می‌شود. از طرفی کیفیت تری، منجر به تأثیرپذیری بیشتر و کیفیت خشکی منجر به تأثیرپذیری کمتر می‌شود (صلیبا و صانعی، ۱۳۶۶: ۵۶). این تأثیر و تأثرات منجر به ویژگی‌های منحصربه‌فرد خَلقی و خَلقی موجودات محسوس، مکان‌ها، زمان‌ها، فعالیت‌ها و... می‌شوند (ابن‌سینا، ۱۳۸۶: ۳۰۱، پاورقی).

مکان‌های طبیعی (طبیعت) و مکان‌های مصنوع (معماری، شهرسازی و سازه‌ها) که توسط انسان ایجاد می‌شوند، از منظر خَلقی و خَلقی واجد این کیفیات بوده و نحوه تعامل این کیفیات با یکدیگر چگونگی تعادل نسبی‌شان در درون خود و نسبت به یکدیگر را مشخص می‌سازد. لذا با مطالعه تعادل نسبی پدیده‌ها مانند مکان‌ها نسبت به ویژگی‌های درونی و تعامل بیرونی خود می‌توان شاخصه‌های این تعادل را استحصال نمود.

معمار با خلق مکان مصنوع بر تعادل طبیعت تأثیر گذاشته و عدم شناخت این تعادل بین مکان طبیعی و مکان مصنوع موجب خروج هر دو از تعادل نسبی براساس حیات طبیعی آن‌ها می‌شود. عناصر کالبدی یکی از مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده معماری در محیط مصنوع هستند که طیف گسترده‌ای از موضوعات را شامل می‌شوند؛ مانند مصالح، بافت، ابعاد، جنس، رنگ، تناسبات، هندسه و موارد دیگر که در این نوشتار تنها تأثیر رنگ در معماری مورد توجه است.



ارتباط روانی جسمی کاربر با معماری از طریق رنگ محیط مبتنی بر مرور ادبیات موضوع که پیش‌تر اشاره شد، امری ثابت شده است. لیکن مبتنی بر چهارچوب نظری‌ای که حکمت طبیعیات در اختیار قرار می‌دهد تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

۱-۲. حکمت طبیعیات

حکمت طبیعیات عبارت است از پرداختن و کاوش در مورد اصولی معین و اموری که به اجسام طبیعی مربوط می‌شود و از طرفی اموری را بررسی می‌نماید که به «جسم طبیعی» ربط پیدا می‌کند شامل حرکت، سکون، زمان، مکان، شکل، کون و فساد و مانند این‌ها (ایناتی، ۱۳۸۳: ۴۰۶). در نتیجه کاوش دربارهٔ امور عالم ماده همچون چندوچون عناصر یا عناصر اربعه و امزجه که حاصل ترکیب عناصر هستند و چگونگی و چیستی آن‌ها در موجودات اعم از جماد، نبات و انسان و نفس او که در این حکمت همگی اجسام طبیعی و اعتباری از صورت اجسام دانسته شده‌اند، موضوع بحث این حکمت به حساب می‌آیند. همهٔ این امور معروض حرکت و ماده دانسته شده‌اند. اثبات چندوچون، چیستی و چگونگی این امور در حکمت طبیعیات به‌عنوان مبادی علوم جزئی و به اصطلاح امروزی تخصصی مانند طب قرار گرفته‌اند؛ لذا طب را از حوزه‌های زیرمجموعهٔ حکمت طبیعیات دانسته‌اند (کدیور، ۲۰۰۹؛ عقیلی علوی شیرازی، ۱۳۸۵؛ شمس اردکانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ حاتمیان، ۱۳۹۷). سازوکار بنیادی این مبادی بر محوریت ارکان یا عناصر چهارگانه دانسته شده است؛ لذا در متون مربوط به علوم دقیقه که مبانی نظری خود را از حکمت طبیعیات گرفته‌اند مانند کیمیا، کانی‌شناسی، نجوم، موسیقی، طب و مانند این‌ها، به‌عنوان محوریت مبادی این علوم بیان شده است.

امور طبیعیه امور منسوب به طبیعت است و آن شروع و مبادی اصلی سازوکار بدن و نفس انسان و سایر موجودات دانسته شده است و جسم همهٔ موجودات با این امور شکل گرفته است. کیفیات، عناصر، طبایع و امزجه در ذیل امور طبیعیه بیان شده‌اند، و تعریف آن چنین اشاره شده است که «به وجود آمدن و اعتدال موجودات و انسان به وجود آن‌ها بستگی دارد»؛ که در متون طب سنتی از آن‌ها به‌عنوان مقوله‌های اصلی طب یاد شده است (ناصری و همکاران، ۱۳۸۹) و عبارت‌اند از: عناصر، طبایع، امزجه، اخلاط، اعضا، ارواح، قوا و افعال (شمس اردکانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ ناصری، ۱۳۸۸: ۲۳؛ عقیلی علوی شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۴؛ حاتمیان، ۱۳۹۷: ۴۹).

در مبانی نظریهٔ مزاج بیان شده است که «شناخت هرچیز مشروط به معرفت ما بر منشأ و علل آن است؛ به شرطی که منشأ و علل به‌طور آشکار خودنمایی کنند» (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۱۰). از منظر

دانش طبیعیات، عالم محسوس از «ارکان» یا «عناصر» ساخته شده است و ویژگی‌های ذاتی ارکان یا عناصر از «طبیعت» آن‌ها نشئت می‌گیرد. بنابراین با شناخت ویژگی‌های ذاتی آن‌ها امکان معرفت بر پدیده‌ها در عالم محسوس فراهم می‌شود. در جدول زیر، به اختصار، صفات، ویژگی‌ها و اثرات چهارگانه‌ها (ارکان) بیان شده است.

جدول ۱: تقسیم‌بندی مزاج عناصر (یوسفی فرد، ۱۳۹۱: ۲۳۱)

عنصر جرم	طبع	ویژگی‌های القاکننده	جرم	نماد
خاک	سرد و خشک	پایداری	سنگین مطلق	نهایت جمود و خشکی
آب	سرد و مرطوب	نرمی	سنگین نسبی	نهایت سردی
هوا	گرم و مرطوب	سبکی، نرمی، نفوذپذیری	سبک	نهایت روانی و تری
آتش	گرم و خشک	نضج، لطافت و سبکی	خیلی سبک	نهایت گرمی

موجودات محسوس از ترکیب عناصر چهارگانه و ویژگی‌های طبیعت آن‌ها که با عنوان «کیفیت عناصر چهارگانه» از آن‌ها نام برده می‌شود، تکوین پیدا نموده و مزاج هر موجود محصول این ترکیب است. محوری بودن مقوله مزاج در موضوعات امور طبیعیه راه، ابن‌سینا چنین بیان نموده که «مزاج با اینکه یک عرض است، لیکن از نگاه فلسفی بسیار بااهمیت بوده، زیرا هرگاه با امتزاج کیفیات عناصر، مزاج به وجود آید و به دنبال آن صور نوعی بر شئیء افاضه گردد، همه خصوصیات خلقی و خلقی شئیء تابع آن مزاج هست» (ابن‌سینا ۱۳۸۶: ۳۰۱، پاورقی).
لذا با مطالعه ویژگی‌های مزاجی می‌توان به کم و کیف وضعیت موجود محسوس پی برد؛ به همین دلیل در طب سنتی تمامی فرایندهای طبابت مانند تشخیص، درمان و اعمال یدای منوط به تشخیص مزاج بیمار تعریف و انجام می‌پذیرند.

۲-۲. چیستی مزاج

«مزاج به کیفیت نهایی و یکسان یک جسم مرکب گفته می‌شود که در نتیجه کنش و واکنش بین کیفیت‌های عناصر چهارگانه در آن به وجود می‌آید» (همان: ۳۰۱). مزاج در لغت به معنی آمیختن است و هر موجودی که در آن ترکیب و آمیختگی وجود دارد، دارای مزاج هست؛ بنابراین با توجه به آنکه همه موجودات و اجسام عالم محسوس از کیفیات مشترک برآمده‌اند پس دارای مزاج هستند. خوردنی‌ها، سرزمین‌ها، اقلیم‌ها، انسان‌ها، حیوانات، گیاهان، اشیا، رنگ‌ها، مواد، ایام و فصول، سنین، اعضای مختلف بدن دارای مزاج مخصوص به خود هستند (همان: ۲۱۹-۳۰۷).



از درآمیختن عناصر چهارگانه، هشت مزاج پدید می‌آید که چهار تای آن‌ها مرکب و عبارت‌اند از: مزاج‌های گرم و تر، گرم و خشک، سرد و تر، سرد و خشک؛ و چهار تای آن‌ها مزاج مفرد هستند که فقط دارای یک کیفیت غالب هستند که عبارت‌اند از: مزاج‌های گرم، سرد، تر و خشک. مزاج‌های هشت‌گانه و ویژگی‌های آن‌ها در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: ویژگی مزاج‌های غیرمعتدل، نگارندگان ۱۴۰۱ مبتنی بر کتاب قانون نسخه شرفکندی، ۱۳۹۱؛

البخاری ۱۳۴۴: ۱۱۹-۱۲۰

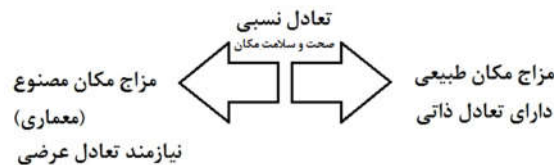
نوع مزاج	مزاج	ویژگی‌ها	ویژگی‌های فاعلی - انفعالی
مفرد	گرم	لطف، نضح، سبکی و کاهش شدت سردی است. حرکت در آن بیشتر است، حرارت	افزایش فعالیت (تأثیرگذاری)
مفرد	سرد	فعل و انفعالات ضعیف و ناقص، حرکت کند، سستی	کاهش فعالیت (تأثیرگذاری)
مفرد	خشک	سختی، جمود	کاهش انفعالی (تأثیرپذیری)
مفرد	تر	سست، نفوذپذیر، روان	افزایش انفعالی (تأثیرپذیری)
مرکب	گرم و خشک	نهایت گرمی، لطافت و سبکی، نضح، حرکت، پویایی	تأثیرگذار زیاد و تأثیرپذیر کم
مرکب	گرم و تر	روانی و تری، نفوذپذیری	تأثیرگذار زیاد و تأثیرپذیر زیاد
مرکب	سرد و خشک	سفتی و سردی، نهایت سردی و خشکی، سنگین مطلق	تأثیرگذار کم و تأثیرپذیر کم
مرکب	سرد و تر	کندی، هراس، نهایت سردی	تأثیرگذار کم و تأثیرپذیر زیاد

آنچه در این منظر، جهان را به سمت «تبادل نسبی» سوق می‌دهد، تعامل میان عناصر، کیفیات و امتزاج آن‌هاست که در ذات عالم محسوس مفروض است؛ به‌گونه‌ای که مزاج در ارتباط با یک جسم با مزاج بالفعل مخالف تغییر می‌کند. این فرایند را «عمل به ضد» یا «اقدام به ضد» نامیده‌اند (البخاری، ۱۳۴۴: ۱۹۳-۱۹۶). به عبارتی اگر جسم گرمی در ارتباط با جسم سرد قرار گیرد، خواص به سمت جسم سرد سوق پیدا می‌کند. مطالعه امزجه و کیفیات آن‌ها امکان بررسی تعادل نسبی در هر موجودی از عالم محسوس را در اختیار ما قرار می‌دهد. این مهم در مورد تعادل نسبی مکان‌ها نیز قابل پژوهش است.

۳-۲. مزاج مکان و تعادل نسبی

مکان از جمله مواردی است که دارای مزاج دانسته شده و به نقل از ابن‌سینا اقلیم بر آن تأثیرگذار است (ابن‌سینا شرفکندی، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۶۳). در گذشته، مناطقی را که می‌شناختند به دو صورت دایره‌ای^۱ و هفت اقلیم^۲ تقسیم‌بندی اقلیمی نموده‌اند (ستوده، ۱۳۵۳: ۸). مکان‌های^۳ گوناگون

دارای مزاج‌های متفاوتی هستند که در کتاب‌های طب سنتی، فقط به مزاج مناطق کوهستانی (سرد و خشک)، بیابانی (گرم و خشک) و مناطق کنار دریا که در جنوب آن کوهستان باشد (سرد و تر) اشاره نموده‌اند (ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۹۳). ابن‌سینا در قانون، مناطق را با توجه به خاک، زمین، بخارات، کوه‌های پیرامون و بادها، به مناطق گرمسیر، سردسیر، مرطوب، خشک، بلندی‌ها، پستی‌ها، سنگلاخ لخت، کوهساران برفگیر، کرانه‌های دریا، سرزمین‌های شمالی تقسیم کرده است (ابن‌سینا شرفکندی، ۱۳۸۹: ۲۱۳-۲۱۴). در پژوهش‌های اخیر معماری ایران نیز بر همین نکته تأکید شده که بین مزاج مکان‌ها و مکان‌یابی شهرها در ایران سنتی رابطه‌ی معنا دار مشاهده شده است (حمزه‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴؛ گلباغ و همکاران، ۱۳۹۸). فارغ از مکانیزم تشخیص مزاج مکان که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، اهمیت موضوع از منظر این پژوهش در این است که مکان‌ها دارای مزاج بوده و از طریق مزاج خود با محیط داخلی و پیرامونی در حال تعامل مزاجی هستند. این تعاملات منطبق بر مدل «تندرستی و بیماری» با مبنای «اعتدال مزاجی» قرار داده شده است. این موضوع در ادبیات طب سنتی اشاره شده و معیار اصلی تعیین سلامت در طب سنتی «اعتدال نسبی» دانسته شده است که نسبت به موقعیت‌ها و اوضاع مختلف سنجیده می‌شود. با این رویکرد، تندرستی در هر پدیده‌ای از عالم محسوس رعایت اعتدال نسبی وی و بیماری، خروج از این اعتدال دانسته شده است. مکان‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در امری طبیعی مانند مکان‌های طبیعی این اعتدال نسبی جاری و ساری بوده و مکان‌های طبیعی از این منظر دارای تندرستی ذاتی هستند. معماری با دخل و تصرف در مکان‌های طبیعی در اعتدال مزاجی آن‌ها ورود پیدا کرده و این تعادل را دچار تغییر می‌نماید. شرط لازم و کافی برای حفظ تعادل نسبی مکان طبیعی ایجاد مکان مصنوعی‌ای است که خود را در بستر این تعادل تعریف نموده و خود دارای تعادلی نسبی بوده و به عبارتی موجب بر هم زدن تعادل نسبی مزاج مکان نشود. از آنجاکه معماری ذاتاً دارای تعادل نسبی نبوده و بایستی این امر مهم توسط معمار بر ویژگی‌های معماری «عارض» گردد، درحقیقت مزاج مکان مصنوعی به منظور بر هم زدن تعادل ذاتی مکان طبیعی نیازمند «تعادل عارضی» است. در دیاگرام زیر این مناسبات اشاره شده است.



تصویر ۲: تعادل نسبی مکان طبیعی و مصنوعی

پژوهش‌های حیطة اول و دوم که پیش‌تر در معرفی پیشینه موضوع اشاره شد، نیز بر این موضوع تأکید نموده‌اند که هم در حوزه تحلیل نظری ارتباط معماری و تعادل مزاجی و هم در مورد بررسی مصادیق مشاهده شده است. معماری مانند هر امر انسانی دارای وجوه بسیار گسترده مادی و غیرمادی است که پرداختن به همه آنها نیازمند پژوهش‌های متعددی است که این خود انگیزه اصلی پژوهش‌های حوزه معماری و نظریه مزاج در دهه اخیر معماری ایران شده است. در این نوشتار، تنها به تأثیر مزاج رنگ فضاهای خانه، به‌منظور عارض نمودن تعادل نسبی در معماری آنها، یا به عبارتی ایجاد تعادل نسبی بین مکان طبیعی و مکان مصنوع آنها پرداخته خواهد شد.

۴-۲. مزاج فعالیت‌ها در فضاهای خانه

در جدول ۱ به فعالیت‌های زندگی خانوار ایرانی که از گذشته تا به امروز امتداد داشته است، مبتنی بر پژوهش ارژمند و عبدالله‌زاده اشاره شد. تشخیص و اختصاص مزاج برای این فعالیت‌ها از طریق شناخت نوع فعالیت و ویژگی‌های مزاج‌های غیر معتدل امکان‌پذیر است که در قیاس با مزاج «مکان معتدل» سنجیده می‌شود. از میان این فعالیت‌ها به‌عنوان نمونه فعل «خوابیدن» در این نوشتار مورد کاوش قرار گرفته است. شایان ذکر است که از تأثیر تعدادی از عوامل مداخله‌گر مانند فصل فعالیت و ویژگی‌های فردی کاربران مانند اعراض نفسانی، تندرستی و بیماری، جنسیت، سن و مانند این‌ها که بر مزاج فعالیت تأثیرگذارند و به‌منظور ساده‌سازی و فهم موضوعی که تاکنون در مورد آن پژوهشی انجام نگرفته است، صرف‌نظر شد. تنها زمان انجام فعالیت که در مورد فعل خوابیدن همانا به‌صورت عرفی شب می‌باشد، در تحلیل نظری لحاظ شده است. بنا بر تحلیل صاحب‌نظران طب سنتی زمان مناسب خواب ۱۰ شب تا یک ساعت مانده به اذان صبح (صفحه رسمی استاد حسین خیراندیش، ۱۴۰۱؛ سایت طبایع، ۱۴۰۱) که حدود ساعت ۴ در ۳۱ خرداد یا انقلاب تابستانی و ۵:۴۰ بامداد در ۳۰ آذر یا انقلاب زمستانی است، عنوان شده است. غیر از ساعت بیداری که با توجه به فصول تغییر می‌نماید، آنچه برای این پژوهش حائز اهمیت است، آن است که در این محدوده زمانی مزاج زمان سرد است (همان). علت مناسب بودن این محدوده زمانی را چنین تبیین نموده‌اند که چون در هنگام خوابیدن بدن از بیرون سرد و از داخل گرم می‌شود، زمان مناسب خوابیدن در محدوده‌های زمانی با مزاج سرد مناسب است. به همین دلیل در طب سنتی به‌جز خواب قیلوله که نیم ساعت پیش از اذان ظهر می‌باشد، در سایر اوقات روز خوابیدن نهی شده است (همان). سازوکار نظری نوشتار، در فضایی

مانند فضای خواب با شناخت ویژگی‌های این فعالیت انسانی در متون طب سنتی و تطابق منطقی آن با ویژگی‌های مزاج‌های غیرمعتدل به شکل زیر انجام شده است.

۱-۴-۲. خواب و بیداری

خواب و بیداری از ضروریات شش‌گانه یا سته ضروریه جهت حفظ سلامتی یا حفظ الصحه مورد توجه طب سنتی ایران است (ابن‌سینا، ۱۳۸۹: ۱۸۷). علت خواب از منظر طب سنتی ایران با رطوبت و بیداری با خشکی بدن و به‌ویژه رطوبت مغز در ارتباط است. در واقع علت خواب، وجود رطوبت در مغز است که اعصاب را سست کرده، خواب را پدید می‌آورد. خواب از بیرون، بدن را سرد و از درون بدن را گرم می‌کند. بیداری ضد خواب است؛ یعنی ظاهر بدن را گرم و باطن (درون بدن) را خسته و سرد می‌کند و هرچه مدت‌زمان بیداری بیشتر باشد، این حالت افزایش پیدا می‌کند. اما این تمام قضیه نیست و عوامل دیگری نیز در یک خواب متعادل و خوب دخیل هستند که می‌توانند بر کیفیت خواب انسان تأثیر بگذارند که اگر این عوامل در نظر گرفته نشوند، مزاج مغز انسان را به سمت خشکی که عامل مهم بی‌خوابی است هدایت می‌کنند؛ مانند فکر و خیال و استرس زیاد، مصرف داروهای خاص، اختلالات تیروئیدی، مشکلات گوارشی، عادات‌های نامناسب مانند خیره شدن زیاد به صفحه گوشی و تلویزیون در هنگام خواب، مصرف نوشیدنی‌های کافئین‌دار در زمان خواب، عدم برقراری تعادل دمایی در اتاق خواب و مانند این‌ها. این خشکی مزاج در سیستم عصبی سبب بسیار مهمی برای بی‌خوابی است. مسائل عاطفی، روانی، گوارشی، ورم‌های سرطانی و... و مسائلی مثل هم و غم، فکر زیاد و حتی شادمانی زیاد موجب بی‌خوابی می‌شود. هرچقدر رطوبت بدن بیشتر باشد، عمق خواب بیشتر خواهد بود و هرچه خشکی بدن به‌ویژه مغز بیشتر باشد، خواب سطحی‌تر است (سایت طبایع، ۱۳۹۹). استاد حسین خیراندیش عامل بی‌خوابی را خشک‌کننده‌ها می‌داند. وی قهوه، دودهای گرم و عطرهای تند را دارای مزاج خشک دانسته و مصرف آن‌ها را باعث خشکی سر (مغز) و بی‌خوابی می‌داند (صفحه رسمی استاد حسین خیراندیش، ۱۴۰۱). نکته حائز اهمیت در مورد فعل خوابیدن غلبه رطوبت مغز برای خواب عمیق و مناسب است که عامل پایدار در خوابیدن از منظر طب سنتی دانسته شده است. مؤلفه‌های متعددی بر رطوبت مغز تأثیر گذارند؛ مانند نحوه تغذیه و مزاج غذاهای مورد استفاده، مزاج فرد، اعراض نفسانی، زمان خواب و مؤلفه‌هایی از این دست؛ اما چون آن‌ها جزو مؤلفه‌های دینامیک و ناپایدار خواب هستند که با توجه به مزاج افراد، شرایط متنوع و زمان‌های مختلف در افراد متفاوت تغییر می‌نمایند. در این پژوهش از تأثیر آن‌ها در مزاج محیط



پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری... محمدرضا حاتمیان، فهیمه گلباغ مهبیاری

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

خواب صرف نظر و تنها به مزاج مکان خواب پرداخته خواهد شد. پس محیط مناسب برای خواب عمیق و مناسب یا به عبارتی مزاج مناسب مکان خواب مزاج مرطوب است. به همین دلیل است که خواب مردمان خطه‌های شمالی ایران عمیق‌تر بوده و در هنگام بیداری صبح دچار کسالت بیشتری نسبت به سایر اقلیم هستند (سایت طبایع، ۱۴۰۱).

البته غلبه کیفیت فاعلی مانند گرمی و سردی در متون طب سنتی عاملی برای بی‌خوابی دانسته شده‌اند (صفحه رسمی استاد حسین خیراندیش، ۱۴۰۱؛ سایت طبایع، ۱۴۰۱). غلبه گرمی و سردی در مزاج مکان‌های ویژه مانند مناطق بسیار گرم نظیر شهر کاشان که استاد کسمایی آن‌ها را مناطق بیابانی می‌نامد یا مناطق بسیار سرد مانند مسکو در شرایط ویژه‌ای قرار می‌گیرند. لذا در این مناطق عامل فاعلی مانند گرمی و سردی اهمیت محوری در کنار رطوبت مکان به‌عنوان عامل انفعالی پیدا می‌نماید.

از طرفی ویژگی و کیفیات فضایی مکان‌ها در خانه سنتی ایران تابع مستقیمی از فعالیت‌های زندگی روزمره و روش زندگی و ارزش‌های اجتماعی حاکم در خانواده ایرانی بوده و معنی این فعالیت‌ها را تشریح می‌کرده است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۶). از طرف دیگر، ویژگی‌های مکان طبیعی و مؤلفه‌های اقلیم متفاوت در حال تأثیرگذاری بر معنای این کیفیات در فضاها و مبتنی بر فعالیت آن‌ها بوده است (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹). بر این اساس، مؤلفه‌های اصلی در دو محور ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی از یک طرف و اقلیم، مکان و زمان طبیعی از سوی دیگر، کیفیات فضایی فعالیت‌های خانوار ایرانی در فضاها را تعریف و معنا می‌داده است. فعل خوابیدن نیز از این محورها مستثنی نیست. کیفیات متبادر از فضای خوابیدن در سبک زندگی خانواده ایرانی مبتنی بر دوماحوری که پیش‌تر اشاره شد، موجب ایجاد انعطاف در فعالیت خوابیدن و در فضاها متنوع با توجه به ویژگی‌های زمانی و مکانی طبیعی شده است. لذا خانوار ایرانی در فضاها متنوعی همچون سرداب، ایوان، حیاط، بام و اتاق می‌خواهیده است (ارژمند و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱). از میان اتاق‌ها، اتاق‌های سهدری که در عرصه خصوصی‌تر سازمان فضایی قرار داشته‌اند، از فضاها بسته‌ای بوده‌اند که با توجه به ویژگی‌های زمانی و مکانی طبیعت احتمال آنکه بیشتر مورد استفاده فعالیت خوابیدن بوده‌اند، مورد نظر قرار گرفته‌اند. به عبارتی سایر فضاها نام برده شده که ویژگی باز یا نیمه‌باز داشته‌اند، در موارد خاص زمانی- مکانی مورد استفاده جهت خوابیدن بوده‌اند و مکان محوری خوابیدن در خانه ایرانی در وجه غالب زمانی- مکانی فضای اتاق‌های سهدری خانه بوده است. شایان ذکر است که استفاده از اتاق‌های سهدری محدود به بازه زمانی خواب در شب نبوده

و این فضا برای انجام فعالیت‌هایی در ساعات مختلف روز نیز استفاده می‌شده است؛ مانند انجام کارهای شخصی، استراحت روزانه، خواب قیلوله و مانند این‌ها. لذا در بررسی مصادیق، رنگ فضای اتاق سه‌دری در این پژوهش مورد استناد قرار گرفته است.

تحلیل انجام‌شده نسبت به مزاج مکان معتدل انجام گرفت؛ از آن‌رو که تأثیر مزاج مکان در تشخیص مزاج فضای خواب حضور نداشته باشد. اما می‌توان نحوه این فرایند تحلیلی را به مزاج مکان‌های چهارگانه ایران مطابق جدول ۴ تعمیم داد.

جدول ۴: اعتدال مزاجی فعل خوابیدن در مزاج مکان معتدل و مزاج‌های مکان چهارگانه ایران

فعالیت فضا		فعل فعالیت	اعتدال مزاجی فعالیت در مزاج مکان معتدل		در مزاج مکان گرم و خشک		در مزاج مکان سرد و تر		در مزاج مکان سرد و خشک	
			ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی
استراحت و خواب	خوابیدن	سردی	تری	گرمی	اعتدال	گرمی	خشکی	سردی	اعتدال	سردی
		به ضد	به ضد	سردی	-	سردی	تری	گرمی	-	گرمی

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مکان فعل خوابیدن در اقلیم‌های چهارگانه ایران که دارای مزاج‌های مرکب چهارگانه هستند، نیاز به مزاج عارضی با غلبه یکی یا هر دوی کیفیات فاعلی و انفعالی دارند. مطمئناً روش‌های متعددی برای ایجاد این عارضه مزاجی در اختیار معمار قرار دارد که به تأثیر مزاج رنگ در ایجاد تعادل مزاجی بین مزاج مکان طبیعی و مزاج مکان فعالیت پرداخته شده است.

۵-۲. مزاج رنگ

رنگ از اجزای اصلی یک مکان است و از عناصری تجسمی برای توصیف موضوع اثر و خصوصیات آن به کار می‌رود و سه رنگ اصلی قرمز، زرد و آبی دارد که تمامی رنگ‌های فرعی غیر از سیاه و سفید از آن سه ساخته می‌شود (استوار، ۱۳۹۱: ۱۹ و ۴۸-۵۰). علوم مختلف با توجه به نیازهایشان رنگ را مورد بررسی قرار داده‌اند که یکی از آن‌ها طب سنتی است. در این دانش، رنگ برای شناخت بیماری و تجویز دارو مورد بررسی قرار گرفته است که در مرور پیشینه موضوع در بخش‌های قبلی به تفصیل اشاره شد. در جدول زیر مزاج رنگ‌های اصلی مبتنی بر آراء البخاری و استوار آورده شده است.



پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری... محمدرضا حاتمیان، فهیمه گل‌باغ مهباری

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

جدول ۵: مزاج رنگ‌های اصلی، البخاری، ۱۳۴۴: ۲۰؛ استوار، ۱۳۹۱: ۴۸

رنگ	مزاج	ردیف	رنگ	مزاج	ردیف	رنگ	مزاج
سیاه	گرم	۳	زرد	خشک	۵	سرخ	مرطوب
سفید	سرد	۴	آبی	معتدل			

از ترکیب رنگ‌های اصلی (زرد، آبی، قرمز) تمامی رنگ‌ها به وجود می‌آید. جدول ۶ چگونه ایجاد رنگ‌های فرعی از رنگ‌های اصلی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: ترکیب رنگ‌های اصلی و ایجاد رنگ‌های فرعی (استوار، ۱۳۹۱: ۵۰)

قرمز + زرد = نارنجی	قرمز زیاد + زرد + آبی = خرمایی	زرد (کم) + آبی + سفید = فیروزه‌ای	سیاه + زرد = قهوه‌ای مایل به سبز
آبی + قرمز = بنفش	قرمز کم + زرد + آبی = قهوه‌ای	نارنجی + قهوه‌ای = حنایی	قهوه‌ای + قرمز = گل‌بهی
آبی + زرد = سبز	آبی + زرد = سبز	سبز + آبی = فیروزه‌ای پررنگ	نارنجی + زرد = خردلی
سبز + مشکی = سبز لجنی	آبی + قرمز = بنفش	آبی + کمی مشکی = سورمه‌ای	سیاه + نارنجی = قهوه‌ای
آبی + سفید = آبی آسمانی	آبی + سیاه = سرمه‌ای	سفید + سیاه = خاکستری	سفید + آبی تیره = آبی روشن
قرمز + مشکی = زرشکی	آبی + سفید = آسمانی	قرمز + سفید = صورتی	قرمز + بنفش = بنفش مایل به صورتی
قرمز + صورتی سیر = زرشکی	آبی + سیاه + سفید = طوسی	مشکی + قرمز + زرد = قهوه‌ای روشن	زرد + سفید = لیمویی
قرمز + سیاه = جگری	زرد + سفید = نخودی	صورتی + زرد = کرم	قرمز کم + آبی = نیلی
زرد + قرمز = نارنجی	زرد کم + آبی + سفید = فیروزه‌ای	سیاه + زرد = قهوه‌ای مایل به سبز	قرمز زیاد + آبی = سرخابی
زرد + آبی = سبز	زرد + آبی کم + سفید = لیمویی	صورتی + زرد = کرم	قرمز + سفید = صورتی
زرد زیاد + آبی + سفید کم = مغزپسته‌ای	قهوه‌ای + زرد + سفید = اکر	سبز + قرمز = بلوطی (شکلاتی)	زرد + آبی کم + قرمز کم = رنگ گونه
صورتی + زرد = کرمی	زرد + سفید + قهوه‌ای + اکر = طلایی	زرد + سیاه کم + سفید = سیر خاکستری	سیاه + سفید = انواع خاکستری



آسمانی + سیاه = طوسی	آبی + زرد + سفید =	سیاه کم + زرد + آبی =	زرد + سفید + آبی = ارغوانی
آبی + زرد + سفید = سبز روشن	آبی + زرد = سبز روشن خشتی	سفید + قرمز + زرد + قهوه‌ای = رنگ معمولی صورت	

با توجه به مزاج رنگ‌های اصلی و ترکیبشان برای ایجاد رنگ‌های فرعی، می‌توان جدولی از مزاج رنگ‌های فرعی به صورت زیر ارائه داد. میزان سیاهی و سفیدی رنگ‌ها، تیرگی یا روشنی‌شان را تعیین کرده و این خود بر میزان گرمی و سردی آن‌ها تأثیر دارد. به عبارتی میزان تیرگی یا استفاده از رنگ سیاه موجب گرمی و میزان روشنایی یا استفاده از رنگ سفید موجب سردی رنگ می‌شود. علامت * و ** و *** در جدول ۷ نشانه میزان شدت یا تیرگی و روشنی رنگ و علامت - نشانه کمی شدت رنگ است.

جدول ۷: مزاج رنگ‌های مرکب، مبتنی بر جدول ۵ و ۶

رنگ‌های اصلی و مزاج رنگ‌های فرعی	زرد خشک	قرمز تر	آبی معتدل	سیاه گرم	سفید سرد	مزاج رنگ مرکب
نارنجی	*	*				معتدل (از لحاظ تری و خشکی)
خردلی	*	*				معتدل
جگری		*		*		گرم و تر
زرشکی		*		*		گرم و تر
صورتی		*		*		سرد و تر
ارغوانی	*		*		*	سرد و خشک
گل بهی	*	**	*			تر
گل بهی روشن	*	**	*		*	سرد و تر
بنفش		*	*			تر
بنفش روشن		*	*	*		سرد و تر
بنفش مایل به صورتی		**	*			تر
سرخابی		**	*			تر (زیاد)
سرخابی روشن		**	*	*		سرد و تر (زیاد)
سبز	*		*			خشک
سبز روشن	*		*		*	سرد و خشک



پیشنهاد مدلی برای انتخاب رنگ فضای خواب در معماری.... محمدرضا حاتمیان، فهیمه گل‌باغ مهبیاری

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

گرم و خشک	*	*	*	*	یشمی
تر		*	***	*	خرمایی
معتدل		*	*	*	قهوه‌ای
سرد	*	*	*	*	قهوه‌ای روشن
معتدل (از لحاظ تری و خشکی)		*	*	*	بلوطی (شکلاتی)
سرد	*		*	*	کرم
معتدل	*	*	*	*	کاهگلی
معتدل	*	*	*		طوسی
معتدل (بستگی به رنگ غالب گرم یا سرد می‌شود)	*	*			خاکستری
سرد و خشک (کم)	*		*	*	فیروزه‌ای
تر			*	*	نیلی
سرد و تر	*		*	*	نیلی روشن
گرم	*	*	*		سرمه‌ای
گرم	*	**	*	*	کاهگلی سیر
گرم	*	*	*	*	قهوه‌ای سیر
گرم	*	*	*	*	نارنجی سیر
سرد و خشک	*			*	لیمویی
سرد و خشک	*			*	نخودی
سرد و خشک	*		*	***	مغزپسته‌ای
سرد و خشک	*		*	**	اکر
سرد و خشک	*		**	* ** ** *	طلایی

اکنون با تکمیل مبانی نظری تأثیر مزاج رنگ در ایجاد تعادل مزاجی بین فعل خوابیدن و فضای آن با مزاج مکان طبیعی می‌توان مدل نظری پژوهش را تدوین نمود. این مدل نظری به‌صورت جدول زیر جمع‌بندی و آورده شده است.

جدول ۸: ایجاد اعتدال مزاجی فعل خوابیدن در مزاج مکان معتدل و مزاج‌های مکان چهارگانه ایران به وسیله

مزاج رنگ


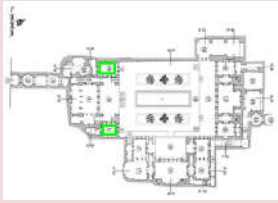
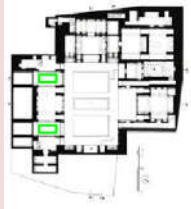
فعالیت فضای		اعتدال مزاجی فعالیت در مزاج مکان معتدل		در مزاج مکان گرم و خشک		در مزاج مکان سرد و تر		در مزاج مکان سرد و خشک	
ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی	ویژگی فاعلی	ویژگی انفعالی
سردی	تری	سردی	اعتدال	سردی	خشکی	گرمی	اعتدال	سردی	خشکی
اقدام به ضد	اقدام به ضد	سردی	معتدل	گرمی	تری	سردی	معتدل	گرمی	تری
		استفاده از رنگ‌ها با مزاج سرد	استفاده از رنگ‌ها با مزاج معتدل	استفاده از رنگ‌ها با مزاج گرم	استفاده از رنگ‌ها با مزاج تر	استفاده از رنگ‌ها با مزاج سرد	استفاده از رنگ‌ها با مزاج معتدل	استفاده از رنگ‌ها با مزاج گرم	استفاده از رنگ‌ها با مزاج تر
		مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم
		ایجاد تعادل مزاجی با مزاج رنگ	ایجاد تعادل مزاجی با مزاج رنگ	ایجاد تعادل مزاجی با مزاج رنگ	ایجاد تعادل مزاجی با مزاج رنگ	ایجاد تعادل مزاجی با مزاج رنگ	ایجاد تعادل مزاجی با مزاج رنگ	ایجاد تعادل مزاجی با مزاج رنگ	ایجاد تعادل مزاجی با مزاج رنگ
		مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم	مانند سفید، قهوه‌ای روشن، کرم
		سردی، تری	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری	سردی، گرمی	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری
استراحت و خواب		سردی، تری	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری	سردی، گرمی	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری
		سردی، تری	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری	سردی، گرمی	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری
		سردی، تری	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری	سردی، گرمی	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری
		سردی، تری	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری	سردی، گرمی	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری
		سردی، تری	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری	سردی، گرمی	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری
		سردی، تری	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری	سردی، گرمی	سردی، معتدل	سردی، گرمی	سردی، تری

۳. مشاهده نتایج یافته‌های نظری نوشتار در مصادیق

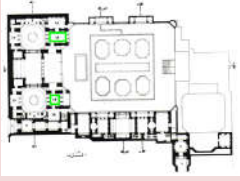

به‌منظور راستی آزمایی مدل نظری انتخاب رنگ که در بخش پیشین به آن اشاره شد، پنج خانه تاریخی در یکی از اقلیم‌های چهارگانه ایران مبتنی بر پهنه‌بندی اقلیمی دکتر کسمائی (کسمائی، ۱۳۸۲: ۸۳) یا اقلیم گرم و خشک کاشان مورد نظر قرار گرفت. انتخاب این خانه‌ها مبتنی بر دو اصل دیگر نیز بوده است: ۱. خانه‌هایی که دارای ارزش معماری و تاریخی باشند (ارزش تاریخی ناشی از قدمت، ارزش‌های کیفی، موقعیت بنا، همجواری با بناهای تاریخی و مسیرهای اصلی)؛ ۲. خانه‌هایی که توانسته‌اند با نگهداری و مرمت اصولی در گذر زمان سالم مانده و هویت اولیه خود را حفظ کنند (هدایت و طبائیان، ۱۳۹۱: ۴۷). این خانه‌ها عبارت‌اند از: خانه منوچهری، خانه بروجردی‌ها، خانه طباطبایی، خانه عباسیان و خانه عامری‌ها.

فرایند بررسی مصادیق در دو مرحله انجام شد: ابتدا فضای سهدری از عملکردهای مشترک در این خانه‌ها از جهات و سمت‌های مشترک که در قسمت تابستان‌نشین این خانه‌ها انتخاب شده و مورد مشاهده قرار گرفت. در جدول زیر پلان خانه‌ها و محل سهدری‌های مورد نظر آورده شده است.

جدول ۸: موقعیت قرارگیری فضای سهدری مصادیقی از خانه‌های تاریخی کاشان در طبقه همکف

پلان	خانه
	خانه بروجردی‌ها
	خانه منوچهری‌ها
	خانه طباطبایی‌ها

10.22052/KASHAN.2023.248414.1057

خانه	پلان
خانه عباسیان	
خانه عامری‌ها	

تحلیل نظری انتخاب رنگ‌های مناسب برای این عملکرد در اقلیم یادشده مطابق با جداول ۵، ۷ و ۸ و فرایندی که پیش‌تر در مزاج مکان گرم و خشک در مورد فضای سهدری انجام شده بود صورت گرفت. در مرحله دوم با بررسی تصاویر این عملکردها، رنگ به‌کاررفته در آنها با مدل نظری ارائه‌شده مقایسه شد. نتایج مبتنی بر جداول زیر مورد مشاهده و جمع‌بندی قرار گرفت.

جدول ۱۰: بررسی مزاج رنگ به‌کار برده‌شده در فضای سهدری خانه‌های تاریخی کاشان، مبتنی بر جداول ۵، ۷

و ۸

ملکردها	عکس	رنگ‌ها و مزاج آن‌ها	تحلیل
خانه بروجردی‌ها			
سهدری		سفید و قهوه‌ای روشن (سرد)، قهوه‌ای (معتدل)، شیشه‌ها سرخابی و نیلی (تر)، خردلی (معتدل)	عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به‌منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن

خانه منوچهری‌ها			
<p>عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به‌منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن</p>	<p>کرم و قهوه‌ای روشن (سرد)، شیشه‌های سرخابی و نیلی (تر)</p>		<p>سه‌دري</p>
خانه طباطبایی‌ها			
<p>عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به‌منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن</p>	<p>سفید (سرد)، قهوه‌ای (معتدل)، شیشه‌های سرخابی و نیلی (تر)، خردلی (معتدل)</p>		<p>سه‌دري</p>
خانه عباسیان			
<p>عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به‌منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن</p>	<p>کرم و قهوه‌ای روشن (سرد)، شیشه‌ها سرخابی و نیلی (تر)، بنفش متمایل به صورتی (تر)</p>		<p>سه‌دري</p>

خانه عامری‌ها			
عارض نمودن سردی برای تعادل گرمی مزاج مکان در کیفیات فاعلی و عارض نمودن تری در رنگ شیشه‌ها برای تعادل خشکی مزاج مکان در کیفیات انفعالی به منظور رسیدن به تعادل نسبی مناسب برای فعل خوابیدن.	سفید به صورت خطی و قهوه‌ای روشن در پنجره‌ها (سرد) و کاهگل روشن دیوارها (معتدل)، شیشه‌ها سرخابی و نیلی (تر)		سه‌دری

۴. نتیجه‌گیری

با فرایند طی شده در این نوشتار مشاهده می‌شود که رنگ دارای مزاج بوده و از طریق مزاج رنگ می‌توان بین مزاج فعالیت‌های عملکردهای مسکونی و مزاج مکان طبیعی آن‌ها تعادل نسبی برقرار کرد. این تعادل مبتنی بر نظریه مزاج در مکتب طب سنتی موجب سلامت یا تعادل نسبی همه پدیده‌ها از جمله کالبد زیست انسان یا معماری خواهد بود. شایان ذکر است با توجه به اینکه از این منظر پژوهشی تاکنون مشاهده نشد و به دلیل نو بودن این منظر، موضوع تنها در فعل خوابیدن و اتاق‌های سه‌دری خانه‌های تاریخی شهر کاشان کاوش شد و از عواملی که در تعادل نسبی بین مزاج عملکردهای مسکونی و مزاج مکان طبیعی مداخله دارند، صرف نظر شد تا تحلیل، فرایند ساده‌تر و قابل فهم‌تری در اختیار پژوهش قرار دهد. پرواضح است که پارامترهایی مانند تجهیزات و مبلمان عملکردها، تناسب و هندسه عملکردها، جنس و مصالح به کاررفته در کالبد عملکردها، سازمان فضایی و همجواری عملکردها، جانمایی اقلیمی عملکردها و عوامل متعددی در ساختار فضاهای معماری و ویژگی‌های محیطی مزاج مانند مزاج فصول، مزاج زمان‌ها، مزاج افراد و عوامل مداخله‌گر مربوطه که در مبادی طب سنتی اشاره شده است، در ایجاد چنین تعادلی دخیل هستند که نیاز به پژوهش‌های تخصصی و ویژه دارند. نتایج این تحلیل‌های نظری در مصادیقی از مزاج مکان گرم و خشک شهر کاشان مورد کاوش قرار گرفت و همین ارتباط معنادار بین نحوه انتخاب رنگ فضاها در معماری فضای سه‌دری خانه‌های تاریخی مشاهده شد. لذا چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین مزاج مکان و نحوه انتخاب رنگ فضاها در معماری‌های سنتی ایران ارتباط معناداری وجود داشته است. بنابراین معماران و طراحان می‌توانند با تشخیص نوع مزاج مکان پروژه خود که در این نوشتار با تکیه بر اقلیم منطقه از آن یاد شد، و آگاهی از مزاج رنگ‌ها اقدام به تصمیم‌گیری برای



انتخاب رنگ فضاهای معماری مسکونی نمایند. نحوه این انتخاب مبتنی بر پارادایم علی نظریه مزاج بر تلاش برای رساندن فضاها به «تعادل نسبی» قرار دارد. و این مهم خود بر روش اقدام یا «عمل به ضد» که در طب سنتی از آن استفاده می‌شود بررسی شد. بدین ترتیب که با توجه به فعالیت‌های هر عملکرد مسکونی، معمار و طراح از طریق عنصر کالبدی رنگ اقدام به تعادل رساندن فضا می‌نماید. نتایج این پژوهش را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

- اول آنکه برای ایجاد عملکردهای مسکونی با کیفیت توجه به ویژگی‌های مکانی آن عملکردها لازم و ضروری است که در این پژوهش این ویژگی‌ها از منظر نظریه مزاج با عنوان مزاج مکان طبیعی مورد توجه قرار گرفت.

- دوم مکانیزم برقراری ارتباط بین مزاج مکان و فعالیت‌های عملکردها، روش رساندن عملکردها به اعتدال نسبی است که از طریق اقدام به ضد در نظریه مزاج از آن یاد شده است. به عبارتی با نظریه مزاج می‌توان از طریق مزاج عناصر فضایی مانند رنگ‌ها ارتباط بین مزاج فعالیت‌های هر عملکرد مسکونی و مزاج مکان آن فضاها را به تعادل، هماهنگی و به عبارتی سلامت آن فضا رساند که این می‌تواند مدلی برای انتخاب رنگ عملکردهای معماری مسکونی فراتر از سلیقه، عرف، هنجار، سوداگری، مد و نظیر این‌ها در اختیار معماران و طراحان قرار داده و تلاش نماید معماری را انسانی‌تر و حکیمانه‌تر تعریف نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. یعنی ایران در مرکز و شش اقلیم دیگر در اطراف آن.
۲. نسبت به خط استوا درجه‌درجه بالا می‌آمدند و اقلیم‌بندی می‌کردند که آخرین آن قطب شمالی می‌شود (ستوده ۱۳۵۳: ۸).
۳. ابن سینا درباره ارتباط مزاج انسان و مکان چنین می‌گوید: «به نظر می‌رسد که هریک از اصناف ساکنان زمین دارای مزاج خاصی هستند موافق با آب‌وهوای اقلیم آن و در هر مورد مزاج دارای جنبه افراط و تفریط می‌گردد» (ابن سینا، شرفکندی، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۶۳).

منابع

- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. (۱۳۷۹). *التعلیقات*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____. (۱۳۸۹). *ترجمه قانون (عبدالرحمن شرفکندی، مترجم)*. تهران: سروش.
- _____. (۱۳۸۶). *ترجمه قانون در طب*. کتاب اول مبانی و کلیات طب (علیرضا مسعودی، محقق و مترجم). تهران: نشر مرسل.

ارژمند، محمود، و عبدالله‌زاده، سیده مهسا. (۱۳۹۱). در جست‌وجوی ویژگی‌های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه‌های سنتی شیراز). *نشریه شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۰، ۱۰۹-۱۲۲.

استوار، مسیب. (۱۳۹۱). *کتاب رنگ*. تهران: انتشارات رازنامه.
اسحاق‌آبادی، آرزو، کولیوند، پیرحسین، و کاظمی، هادی. (۱۳۹۶). روان‌شناسی رنگ و اثر آن بر طراحی بیمارستان و درمان بیمار. *نشریه شفای خاتم*، ۵ (۲)، ۱۳۰-۱۴۲.
ایتن، یوهانس. (۱۳۷۸). *عناصر رنگ* (ب. ژاله دوست ثانی، مترجم). تهران: عفاف.
البخاری، ابوبکر ربیع بن احمد الاخوانی. (۱۳۴۴). *هدایة المتعلمین فی الطب*. به اهتمام ج. متینی. مشهد: چاپخان. دانشگاه مشهد.

امیرآبادی فراهانی، مهدیه، حمزه‌نژاد، مهدی، و رنجبر کرمانی، علی‌محمد. (۱۴۰۰). بازشناسی معماری مسکن سلامت بخش بر پایه طب سنتی؛ نمونه موردی: مسکن اقلیم گرم و خشک، *نشریه تاریخ پزشکی*، شماره ۴۶، ۲۱-۱.

ایناتی، شمس. (۱۳۸۳). ابن‌سینا (مهدی قوام صفری، مترجم). *تاریخ فلسفه اسلامی*. تهران: حکمت.
براتی، ناصر. (۱۳۸۲). بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی. *نشریه خیال*، شماره ۸، ۲۵-۳۶.

پوردیبهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. *نشریه فرهنگ و محیط روستا*، شماره ۱۳۴، ۱۳-۱۸.
تقی‌زاده، کنایون، و ملازاده یزدانی، مریم. (۱۳۹۷). نقش مزاج‌شناسی بر معماری سلامت‌محور سنتی ایران. *نشریه تاریخ پزشکی*، شماره ۳۶، ۵۳-۶۴.

حاتمیان، محمدرضا. (۱۳۹۷). *تأثیر تفاوت‌های فردی مبتنی بر نظریه سینوی مزاج بر آموزش طراحی معماری*. پایان‌نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی.

حاتمیان، محمدرضا، دیواندری، جواد، و گلباغ، فهیمه. (۱۳۹۶). تأثیر مزاج مکان بر تناسبات هندسی فضاها در معماری ایرانی مورد پژوهی: خانه‌های تاریخی کاشان. *کنفرانس بین‌المللی معماری و ریاضیات*. کاشان: دانشگاه کاشان.

حاتمیان، محمدرضا و معینی، سید حسین. (۱۳۹۷). جایگاه و ویژگی‌های درس طرح معماری یک دانشگاه کاشان (مقطع کارشناسی) و اهمیت تفاوت‌های فردی یادگیرنده در آن. *نشریه صفا*، شماره ۸۰، ۱۰۱-۱۲۰.

حمزه‌نژاد، مهدی، و برادران هروی، فاطمه. (۱۳۹۹). تبیین تمایزات حریم‌خواهی ساکنان در مسکن بومی چهار پهنه اقلیمی ایران. *نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۳، ۱۰۳۱-۱۰۵۳.
حمزه‌نژاد، مهدی، و ثروتی، زهرا. (۱۳۹۶). مؤلفه‌های طراحی بومی محیط به‌منظور تأمین سلامت

- انسان بر مبنای طب سنتی و اسلامی. نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۷، ۷۹-۵۵.
- حمزه‌نژاد، مهدی، ربانی، مریم، و ترابی، طاهره. (۱۳۹۴). نقش باد در سلامت انسان در طب اسلامی و تأثیر آن در مکان‌یابی و ساختار شهرهای سنتی ایران. نشریه نقش جهان، شماره ۵، ۵۷-۴۳.
- دانایی‌نیا، احمد، دیواندری، جواد، صیادی، مهدی، و امامی میبدی، مرضیه. (۱۳۹۵). مزاج به‌مثابه کهن‌الگو در طراحی معماری حمام ایرانی. نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۲، ۷۷-۵۷.
- رحیمی مهر، وحیده، متدین، حشمت‌الله، و مهربانی، مهرزاد. (۱۳۹۶). ایجاد فضاهای شفافبخش در بیمارستان‌ها با نگرش به آموزه‌های طب سنتی ایران. نشریه طب سنتی اسلام و ایران، ۸ (۴)، ۴۶۲-۴۵۱.
- رحیمی مهر، وحیده. (۱۳۹۹). بررسی رابطه مزاج انسان با رنگ محیط: یک مطالعه مقطعی تحلیلی در شهر کرمان، مجله طب مکمل دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۱۰ (۲)، ۱۶۲-۱۷۲.
- رضوی برقی، سید حسین. (۱۳۸۸). معماری حمام در متون طب کهن و مقدمه رساله دلاکیه. نشریه گلستان هنر، شماره ۱۵، ۷۰-۶۴.
- ساطعی، عشرت. (۱۳۷۲). تأثیر رنگ در زندگی انسان‌ها. مجله پیوند، شماره ۱۶۹، ۱۲۰-۱۲۳.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۵۳). صور الاقالیم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- شریعت‌پناهی، سید نیما. (۱۳۹۲). تبیین قواعد اعراض نفسانی براساس مبانی طب سنتی ایران. پایان‌نامه دکتری طب سنتی. تهران: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. دانشکده طب سنتی.
- شمس اردکانی، محمدرضا، و میراب‌زاده اردکانی، مهران، کشاورز، منصور، ناظم، اسماعیل، و مینایی، محمدباقر. (۱۳۸۹). امور طبیعی و ارکان در مکتب طب ایرانی. نشریه طب سنتی اسلام و ایران، شماره ۴، ۳۱۵-۳۲۲.
- صلیبا، جمیل، و صانعی دره‌بیدی، منوچهر. (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی. مجموعه آثار ابن‌سینا (دی وی دی). تهران: حکمت.
- صهبا، فروغ. (۱۳۸۳). جایگاه رنگ در علم طب از دیدگاه ابن‌سینا. در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابن‌سینا. همدان: دانشگاه همدان.
- طاهری، جعفر. (۱۳۹۵). حمام در متون طب دوره اسلامی: نظریه و عمل. نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۰، ۶۳-۴۶.
- عبدالله‌زاده، محمدمهدی. (۱۳۹۵). معماری طبایع: پروردن رویکردی درباره نسبت انسان و محیط مصنوع بر مبنای طبیعات ابن‌سینا. پایان‌نامه دکتری معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.



دانشکده معماری و شهرسازی.

- _____ . ۱۳۹۴. معماری طبایع: تبیین رویکردی درباره نسبت انسان و محیط مصنوع بر مبنای چهارگانه‌ها. نشریه مطالعات معماری ایران، شماره ۸، ۱۳۷-۱۵۶.
- عقیلی علوی شیرازی، سید محمدحسین بن محمد هادی. (۱۳۸۵). خلاصه الحکمه (ا. ناظم، مصحح). کتابخانه جامع طب سنتی - اسلامی (دی وی دی). قم: اسماعیلیان.
- عینی فر، علیرضا، طاهری سرمد، فائزه، و شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۸). مقایسه تطبیقی گونه‌شناسی سازمان فضایی و عناصر کالبدی دوره‌های قاجار و پهلوی خانه‌های سنتی شهر کرمانشاه. نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۳، ۱۴۹-۱۶۷.
- کسمائی، مرتضی. (۱۳۸۲). اقلیم و معماری. اصفهان: نشر خاک.
- کدیور، محسن. (۲۰۰۹). ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت: تحقیق، تصحیح و تحلیل رساله اقسام الحکمه. نشریه جاویدان خرد، شماره ۱، ۳۵-۱۴۰.
- گلباغ مهبیاری، فهیمه، حمزه‌نژاد، مهدی، و حاتمیان، محمدرضا. (۱۳۹۸). تدابیر طبی از دیدگاه ابن سینا در مکان‌یابی شهر و تأثیر آن بر فضاهای اقلیمی خانه در معماری سنتی، مجله تاریخ پزشکی، ۱۱ (۴۰)، ۶۸-۵۱.
- ناری قمی، مسعود، و دامیار، سجاد. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱، ۶۵-۷۲.
- ناصری، محسن. ۱۳۸۸. مروری بر کلیات طب سنتی ایران. تهران: مؤسسه نشر شهر.
- ناصری، محسن، رضایی‌زاده، حسین، طاهری‌پناه، طیبه، و ناصری، واحده. (۱۳۸۹). نظریه مزاج در طب سنتی ایران و تنوع پاسخ دهی درمانی براساس فارماکوژنتیک. نشریه طب سنتی اسلام و ایران، شماره ۳، ۲۳۷-۲۴۲.
- نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه‌نژاد، مهدی، و دهقانی تفتی، محسن. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع. نشریه آرمانشهر، شماره ۵، ۷۹-۹۶.
- ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (ویژه علوم پزشکی). قم: نشر معارف.
- هدایت، اعظم، و طبائیان، سیده مرضیه. (۱۳۹۱). بررسی عناصر شکل‌دهنده و دلایل وجودی آن‌ها در خانه‌های بافت تاریخی بوشهر. شهر و معماری بومی، شماره ۳، ۳۵-۵۵.
- یوسفی فرد، محمود، پرویز، محسن، حسینی، مصطفی، عبادیانی، محمد، و کشاورز، منصور. (۱۳۹۱). مزاج، گذشته، حال، آینده. انجمن فیزیولوژی و فارماکولوژی ایران، ۱۶ (۴)، ۳۹-۳۲۸.
- سایت طبایع، ۱۴۰۱.



References

- Abdollahzade, M. M. (2015). The architecture of natures: explaining an approach about the ratio of man and the artificial environment based on the fours. *Iranian Architectural Studies*, (8), 137-156. [In Persian]
- Abdollahzade, M. M. (2016). *The architecture of nature: developing an approach about the relationship between man and the artificial environment based on Avicenna's naturalism*. PhD in Architecture, Nadimi, H. and Ghayoomi, M. Faculty of Architecture & Urbanism. University of Shahid Beheshti. [In Persian]
- Aghilie Alavie Shirazi, S. (2006). *Kholasa al Hekmah*. Correction by N. Esmail. Comprehensive Library of Traditional-Islamic Medicine (DVD), Esmaeilian. Qom. [In Persian]
- Albokhari, A. (1965). *Hedaiat al-Moteallemin Phi Tebb*. Jalal Matini. University of Mashad: Mashad. [In Persian]
- Amirabadi Farahani, M., Hamzenezhad, M., & RanjbareKermani, A. M. (2021). A review of health housing architecture based on traditional medicine, a case study: Hot and dry climate housing. *Medical history*, (46), 1-21. doi.org/10.22037/mhj.v13i46.30079). [In Persian]
- Arzhamand, M. & Abdollahzade, S. M. (2012). In search of characteristics of an Iranian house (based on the study of the way of life in the traditional houses of Shiraz). *Islamic Iranian City*, (10), 109-122. [In Persian]
- Avicenna HIA. (2000). *Altalighat*, Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
- (2007). *Law in medicin*. Translated by Alireza Masoodi. Tehran: Morsal. [In Persian]
- (2010). *Law in medicin*. Translated by Abdol al-Rahman Sharafkandi. vol.1. Tehran: Sourush. [In Persian]
- Barati, N. (2003). Recognizing the concept of home in Persian language and Iranian culture. *Khial*, (8), 25-36. [In Persian]
- Danaeina, A., Divandari, J., Saijadi, M., & Emami Meibodi, M. (2016). Temperament as an archetype in Iranian bath architecture design. *Islamic Architectural Research*, (12), 57-77. [In Persian]
- Einati, Sh. (2004). *History of Islamic philosophy*. Avicenna Ghavam Safari. Tehran: Hekmat. [In Persian]
- Einifar, A., Taheri, S., & Shahcheraghi, A. (2019). Comparative comparison of typology of spatial organization and physical elements of Qajar and Pahlavi periods of traditional houses in Kermanshah. *Archaeological Research of Iran*, (23), 149-168. (doi.10.22084/NBSH.2019.18444.1895). [In Persian]
- Eshagh Abadi, A., Coolivand, P., Kazemi, H. (2017). Psychology of color and its effect on hospital design and patient treatment. *Shafaie Khatam*, (2), 130-142. doi. 10.18869/acadpub.shefa.5.2.130. [In Persian]
- Gholbaghe Mahyari, F., Hamzenezhad, M., & Hatamian, M. (2019). Medical measures from Avicenna's point of view in locating the city and its effect on the climatic spaces of the house in traditional architecture. *Medical History*, 40, 51-68. doi.org/10.22037/mhj.v11i40.22661. [In Persian].
- Hamzenezhad, M. & Baradarane Heravi, F. (2020). Explaining the differences in the privacy of residents in the native housing of four climatic zones of Iran.

- Researches of Human Geography*, (3), 1031-1053. doi.10.22059/JHGR.2019.261800.1007742). [In Persian]
- Hamzenezhad, M. & Servati, Z. (2017). Native design components of the environment in order to provide human health based on traditional and Islamic medicine. *Islamic architectural research*, (17), 55-79. [In Persian]
- Hamzenezhad, M., Rabbani, M. & Torabi, T. (2015). The Role of Wind in Human's Health in Islamic Medicine and its Impacts on the Locating and Structuring of the Traditional Cities in Iran. *Naghshe Jahan*, (5), 43-57. doi.20.1001.1.23224991.1394.5.1.6.7. [In Persian]
- Hatamian, M., Divandari, J., & Golbagh, F. (2017). The influence of the temperament of the place on the geometrical proportions of the spaces in Iranian architecture under study: the historical houses of Kashan. International Conference on Architecture and Mathematics. Kashan: University of Kashan. [In Persian]
- Hatamian, M. & Moeini, S. H. (2018). The position and characteristics of the architectural design 1 in university of Kashan (undergraduate course) and the importance of individual differences of the learners in it. *Soffeh*, (80), 101-120. doi.20.1001.1.1683870.1397.28.1.1.8. [In Persian]
- Hatamian, M. (2018). *The effect of individual differences based on the Avicenna theory on the Architecture Design Education*. PHD in Architecture, Dr. Nadimi Hamid & Dr. MoeiniSeyedHosein, Faculty of Architecture & Urbanism, University of Shahid Beheshti. [In Persian]
- Hedayat, A. & Tabaeian, S. M. (2012). Investigating the forming elements and their reasons for existence in the houses of historical context of Bushehr. *City and Vernacular Architecture*, (3), 35-55. doi.20.1001.1.26453711.1394.3.3.3.2. [In Persian]
- Itten, J. (1999). *The elements of color*. Trans. by Zhale Dooste Saani, B. Efaf, Tehran. [In Persian]
- Kadivar, M. (2009). Avicenna and the classification of Hekmat: Research, correction and analysis of the treatise "Iqsam al-Hikma". *Eternal Wisdom*, (1), 35-140. [In Persian]
- Kasmaei, M. (2003). Climate and architecture. Esfahan: Khak. [In Persian]
- Narie Qomi, M. & Damyar, S. (2012). A comparative study of the concept of space in native architecture and modern architecture. *Fine Arts*, (1), 65-72. doi.10.22059/JFAUP.2012.29698. [In Persian]
- Naseri, M. (2009). *An overview of traditional Iranian medicine*. Tehran: Shahr Publication. [In Persian]
- Naseri, M. et al. (2010). Temperament theory in Iranian traditional medicine and variation of therapeutic response based on pharmacogenetics. *Traditional Medicine of Islam and Iran*, (3), 237-242. [In Persian]
- Noghrekar, A., Hamzenezhad, M., & Dehghanie Tafti, M. (2010). Investigating the impact of the natural environment on behavior and ethics from the perspective of Islamic thinkers and its results in the design of the artificial environment. *Arman Shahr*, (5), 79-96. [In Persian]
- Ostovar, M. (2012). *Color book*. Tehran: Raznameh. [In Persian]
- Poodayhimi, Sh. (2011). Culture and housing. *Village Culture and Environment*, (134), 3-18. [In Persian]



- Rahimimehr, V. (2020). Investigating the relationship between human temperament and environmental color: an analytical cross-sectional study in Kerman city. *Complementary Medicine University of Arak*, (2), 162-172. doi.10.32598/cmja.10.2.970.1. [In persian]
- Rahimimehr, V., Motedaien, H., & Mehrbani, M. (2017). Creating healing spaces in hospitals with an attitude towards the teachings of traditional Iranian medicine. *Traditional Medicine of Islam and Iran*, (4), 451-462. [In Persian]
- Razavi Borghei, S. H. (2009). Bathroom architecture in ancient medical texts and the introduction to Delakieh's treatise. *Golestane Honar*, (15), 64-70. [In Persian]
- Sahba, F. (2004). The position of color in medicine from Avicenna's point of view. *Proceedings of Avicenna International Conference*. Hamedan: University of Hamedan. [In persian]
- Saliba, J. & Saneie Darrebidi, M. (1987). Philosophical culture. *Avicenna's collection of works (DVD)*. Tehran: Hekmat. [In Persian]
- Satei, E. (1993). The influence of color in human life. *Peivand*, No. 169, p 120-123. [In persian]
- Shamse Ardakani, M. et al. (2010). Natural affairs and pillars in the Iranian school of medicine. *Traditional Medicine of Islam and Iran*, (4), 315-322. [In Persian]
- Shariatpanahi, S. N. (2013). *Explaining the rules of AarazeNafsani based on the basics of traditional Iranian medicine*. PhD in medicine, Dr. Mossadegh Mahmood, Dr. Minaei Mohammad Bagher, Dr. Nikbakhte Nasr AbadiAlireza. Faculty of Traditional Iranian Medicine. University of Shahid Beheshti. [In Persian]
- Sotoodeh, M. (1974). *Sovarol Aghalim*. Tehran: Iranian Culture Foundation. [In persian]
- Taghizade, K. & Mollazade Yazdani, M. (2018). The role of temperament on the traditional health-oriented architecture of Iran. *Medical History*, (36), 53-64. doi.org/10.22037/mhj.v10i36.18051. [In Persian]
- Taheri, J. (2016). Bath in the medical texts of the Islamic period: theory and practice. *Islamic Architectural Research*, (10), 46-63. [In persian]
- Velayati, A. (2010). *History of Islamic culture and civilization (especially medical sciences)*. Qom: Maaref. [In Persian]
- Yoosefi Fard, M., Parviz, M., Hoseini, M., Ebadiani, M., & Keshavarz, M. M. (2012). Temparement, past, present, future. *Iranian Society of Physiology and Pharmacology*, (4), 328-339. [In Persian]

URLs:

URL1:www.irismed.ir

URL2:www.tabaye.ir



Proposing a Model for Color Choice in Sleeping Space in Contemporary Residential Architecture Based on the Principles of HekmateTabieiat (Historical Houses in Kashan: A Case Study)

Mohammadreza Hatamian

Corresponding Author Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture & Art, University of Kashan, Kashan, Iran, hatamian@kashanu.ac.ir

Fahimeh Golbaghe Mahiari

MS in Architecture, Fayz Institute of Technology, Kashan, Iran, fahimgolbagh@gmail.com

Received: 29/11/2022

Accepted: 14/03/2023

Introduction

The choice of color as an important physical element in the executive space of residential architecture in Iran does not follow scientifically researched models. The issue of color in architecture can be researched from different perspectives; However, this article focuses on HekmateTabieiat and its theoretical foundations. The principles and teachings of HekmateTabieiat in traditional Iranian medicine, especially those in the works of Avicenna, deal with issues such as the characteristics of the environment and its body. From this perspective, it can be used as a practical theoretical basis for the characteristics of the physical elements of the environment such as the selection of colors. The purpose of this article is to propose a practical model for color selection in the present-day home spaces in Iran, because little research has been done based on HekmateTabieiat. The main question in this research is: what characteristics have been considered in the selection of colors in traditional residential spaces based on the theoretical foundations of HekmateTabieiat?

Materials and Methods

The study employed a basic qualitative research design following content analysis of texts related to HekmateTabieiat in traditional medicine. It sought color selection indicators in residential architectural spaces in general and their sleeping space in particular. In order to provide theoretical foundations, it looked for these color characteristics in a number of historical houses of Kashan as examples. First, a content analysis was performed on the theme of sleeping to determine the temperament of this activity as reflected in the relevant texts. Then, temperament interactions between the temperament of this activity, the temperament of the natural place, and the temperament of the color were explored. The findings of the study revealed how the temperament of color interacts with others in creating a relative balance between the temperament of the activities and the temperament of the place. It should be mentioned that because the natural process of creation and



property of the living space is a direct function of the activities of that space, by studying and balancing the activities, a balanced living space can be created. Besides, it is possible through manipulating the characteristics of the elements that make up the space, one of which is the color of space.

Results and Findings

The results of conceptual analysis of the effect of color temperament on creating a balance between the act of sleeping and its space with the temperament of a natural place are summarized and presented in the table below.

Table 1. Balancing Temperament of Sleeping with the Temperament of Four Major PlaceTypes in Iran through Color Temperament

Act of space	Activity Temperament Balance in Temperament of the Moderate Place		In the Temperament of a hot and humid place		In the Temperament of a hot and dry place		In the Temperament of a cool and humid place		In the Temperament of a cool and dry place	
	Active property	Passive property	Active property	Passive property	Active property	Passive property	Active property	Passive property	Active property	Passive property
Relaxing And sleeping	coldness	humidity	heat	moderation	heat	dryness	coldness	moderation	coldness	dryness
	Action against	Action against	coldness	moderate	coldness	humidity	Heat	moderate	heat	humidity
	Creating a balance of Temperament with color Temperament		Use of colors with cold Temperament	Use of colors with moderate Temperament	Use of colors with cold Temperament	Use of colors with humid Temperament	Use of colors with hot Temperament	Use of colors with moderate Temperament	Use of colors with hot Temperament	Use of colors with humid Temperament
			Like white, light brown, cream	Like orange, brown, gray, mustard	Like white, light brown, cream	Like pink, purple, pinkish purple, magenta, date, indigo	Like navy blue, garlic straw, brown, garlic orange	Like orange, brown, gray, mustard	Like navy blue, garlic straw, brown, garlic orange	Like pink, purple, pinkish purple, magenta, date, indigo
			Color with mixed Temperament				Color with mixed Temperament			
Like light indigo bright magenta Bright purple bright flower pink				Like liver crimson						

Based on the findings of the present study, it can be seen that color has temperament and through the temperament of color, relative balance can be established between the temperament of residential functions and the temperament of their natural place. This balance will lead to relative health or balance of all phenomena, including human body and architecture based on temperaments in traditional medicine. It should be mentioned that since little research has so far been carried out from this perspective, and since the point of



view is novel, the topic was explored only considering the act of sleep and the three-door rooms of the historical houses in Kashan. Other factors related to the balance between the temperaments of natural place and that of color were not considered to allow a simpler and more comprehensible analysis in this research. It is very clear that parameters such as equipment and furniture, proportions and geometry of functions, materials used for different functions, spatial organization and proximity, climatic placement of functions, and several other factors in the structure of architectural spaces and environmental characteristics of temperament such as the temperament of seasons, the temperament of time, and the temperament of the people are the relevant intervening factors mentioned in traditional medicine as creators of balance. These factors require further specialized research. The findings of the current analysis are evidenced by examples in the hot and dry city of Kashan, where a meaningful relationship was observed between color selections in spaces in the architecture of the three-door space of the historical houses. Therefore, it can be concluded that there is a significant relationship between the temperament of the place and the selection of color of the spaces in the traditional architecture of Iran. Architects and designers can decide to choose the color of residential architectural spaces by recognizing the temperament of their project location knowing the temperament of colors. Color selection is to be based on the causal paradigm in temperament theory, attempting to bring the spaces to a 'relative balance'. This was described in the current study by the concepts of act and anti-act, used in traditional medicine.

Conclusion

Considering the requirements of each residential function, architects and designers balance the space through the physical element of color. The results of this research can be summarized as follows: first, to create quality residential functions, it is necessary to pay attention to the spatial characteristics of those functions, and in this research, these characteristics were considered from the perspective of temperament theory, notably the temperament of the natural place. Second, the mechanism of interaction between the temperament of the place and the functions is the method of bringing the functions to relative moderation, mentioned in the theory of temperament through the action of the opposite temperament. In other words, with the theory of temperament, through the temperament of spatial elements such as color, the relationship between the temperament of the activities of each residential function and the temperament of the location of those spaces can be brought to balance and harmony; hence, the health of that space, which can be a model for color selection in residential architectural functions beyond taste, customs, norms, mercantilism, fashion, and so on at the disposal of architects and designers who define architecture in a more humane and wiser way.

Keywords: Hekmate Tabieiat, color temperament, sleeping space.